

## **Synergism between the aqueous extract of saffron (*Crocus sativus L*) and vitamin D3 on osteogenic differentiation of rat bone marrow mesenchymal stem cells**

**Baharara J<sup>1\*</sup>, Nejhad Shahrokhbabadi Kh<sup>2</sup>, Nazemi M<sup>2</sup>, Ramezani T<sup>3</sup>**

1-Research Center for Animal Development Applied Biology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, I. R. Iran.

2- Department of Biology, Faculty of Sciences, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, I. R. Iran.

3- PhD Student in Developmental Biology, Department of Biology, Faculty of Sciences, Kharazmi University, Tehran, I. R. Iran.

Received Jan 4, 2014; Accepted September 9, 2014

### **Abstract:**

**Background:** Saffron has the various significant pharmacological effects. Vitamin D3 is also involved in differentiation and functions in various cells. This study aimed to investigate the synergetic effects of the aqueous extract of saffron and vitamin D3 on the differentiation of mesenchymal stem cells into osteoblasts.

**Materials and Methods:** Flushing method was used to extract mesenchymal stem cells. Immunocytochemistry agonist CD44 antigen was also used to verify the identification of stem cells. In the experimental group, cells were treated with 600,700,800 mg/l doses of the saffron extract and the above-mentioned doses of saffron with  $5 \times 10^{-7}$  M of vitamin D3 were used to induce differentiation. The control group did not receive any treatment. Cell differentiation was evaluated by the alkaline phosphatase activity assay after 10 days and Alizarin Red staining was also performed 21 days after the treatment.

**Results:** Alkaline phosphatase activity in the vitamin D3 and saffron groups showed a significant increase compared to the control groups. The activity of this enzyme in the combined treatment groups showed a significant increase compared to their single use. The Alizarin Red staining showed the differentiative effects of vitamin D3, saffron and their coadministration in the differentiation of stem cells into osteoblast. The saffron and Vitamin D3 coadministration has the most profound effect on the differentiation of mesenchymal stem cell into osteoblast.

**Conclusion:** The results indicate that the coadministration of saffron and vitamin D3 has a significant effect on the differentiation of mesenchymal stem cell into osteoblast cells.

**Keywords:** Osteoblast, Differentiation, Saffron, Stem Cell, Vitamin D3

\* Corresponding Author.

**Email:** baharara@yahoo.com

**Tel:** 0098 513 843 7092

**Fax:** 0098 513 843 709

Conflict of Interests: *No*

*Feyz, Journal of Kashan University of Medical Sciences December, 2014; Vol. 18, No 5, Pages 411-418*

*Please cite this article as:* Baharara J, Nejhad Shahrokhbabadi Kh, Nazemi M, Ramezani T. Synergism between the aqueous extract of saffron (*Crocus sativus L*) and vitamin D3 on osteogenic differentiation of rat bone marrow mesenchymal stem cells. *Feyz* 2014; 18(5): 411-8.

# اثر هم‌افزایی عصاره آبی زعفران (*Crocus sativus L*) و ویتامین D3 بر تمایز استئوژنیک سلول‌های بنیادی مزانشیمی در مغز استخوان موش صحرایی

جواد بهارارا<sup>۱\*</sup>، خدیجه نژاد شاهرخ آبادی<sup>۲</sup>، مریم ناظمی<sup>۳</sup>، طیبه رمضانی<sup>۴</sup>

## خلاصه:

**سابقه و هدف:** زعفران دارای اثرات فارماکولوژیک متعددی بوده و ویتامین D3 نیز در تمایز و عملکرد بسیاری از سلول‌ها دخالت دارد. در مطالعه حاضر اثر هم‌افزایی عصاره آبی زعفران و ویتامین D3 بر تمایز سلول‌های بنیادی مزانشیمی به استئوبلاست بررسی شده است. **مواد و روش‌ها:** سلول‌های بنیادی مغز استخوان موش صحرایی نژاد ویستار استخراج شده و شناسایی به کمک روش ایمونوسیتوشیمی انجام شد. در گروه‌های تجربی، سلول‌های بنیادی با غلظت‌های ۶۰۰، ۷۰۰ و ۸۰۰ میلی گرم در لیتر زعفران و نیز غلظت‌های فوق‌الذکر زعفران همراه با غلظت  $5 \times 10^{-7}$  مولار ویتامین D3 جهت القا تمایز استفاده شد. گروه کنترل هیچ‌گونه تیماری دریافت نکرد. تمایز سلول‌ها با سنجش فعالیت آنزیم آلکالین فسفاتاز پس از ۱۰ روز و رنگ آمیزی آلیزارین رد در روز ۲۱ پس از تیمار بررسی گردید. **نتایج:** فعالیت آلکالین فسفاتاز گروه‌های دریافت‌کننده ویتامین D3 و زعفران در مقایسه با شاهد افزایش معنی‌داری داشت. همچنین، میزان فعالیت این آنزیم در گروه‌های تیمار توام زعفران و ویتامین D3 نسبت به کاربرد هر یک به تنهایی افزایش داشت. رنگ آمیزی آلیزارین رد، اثرات تمایزی ویتامین D3، زعفران و تیمارهای توام آنها بر سلول‌های بنیادی به سمت به استئوبلاست را نشان داد و بیشترین اثر تمایزی در گروه تجربی زعفران همراه با ویتامین D3 مشاهده شد. **نتیجه‌گیری:** کاربرد توام زعفران و ویتامین D3 دارای اثرات معنی‌دار در تمایز سلول‌های بنیادی مزانشیمی مغز استخوان به استئوبلاست-ها می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** استئوبلاست، تمایز، زعفران، سلول بنیادی، ویتامین D3

دو ماهنامه علمی-پژوهشی فیض، دوره هجدهم، شماره ۵، آذر و دی ۱۳۹۳، صفحات ۴۱۸-۴۱۱

## مقدمه

منبع اصلی این سلول‌ها مغز استخوان است که در مهندسی بافت نیز مورد توجه ویژه قرار گرفته است؛ به این دلیل که این سلول‌ها پس از تمایز یافتن به استئوبلاست بیشترین شباهت را به استئوبلاست‌های بافت طبیعی دارند [۴،۱]. از طرف دیگر، استفاده مستقیم از سلول‌های بنیادی برای اهداف درمانی ممکن است با مشکلاتی از جمله رشد غیر قابل کنترل سلول‌ها مواجه شود [۵]. بنابراین، برای استفاده از سلول‌های بنیادی در اهداف درمانی روش معمول بدین صورت است که سلول‌ها را با مواد و فاکتورهای مناسب به سمت رده سلول‌های مورد نظر تمایز می‌دهند و سپس از این سلول‌های متعهد برای اهداف درمانی استفاده می‌شود [۶]. مواردی که تاکنون برای القا تمایز استئوسیتی استفاده شده‌اند، بیشتر محدود به فاکتورهای رشد هستند که دسترسی به آنها مشکل می‌باشد و از نظر اقتصادی استفاده از آن‌ها مقرون به صرفه نمی‌باشد [۷،۳]. استخوان‌زایی یک فرایند تکوینی است که تعداد زیادی از عوامل بیرونی مثل هورمون‌ها، فاکتورهای رشد، مسیره‌های پیام‌رسان و فاکتورهای رونویسی در آن دخالت دارند. استئوبلاست‌ها شاخص‌های استئوکلسین، استئوپونین، آلکالین فسفاتاز و سیالو-پروتئین استخوانی را بیان می‌کنند [۸،۶]. یکی از فاکتورهای دخیل در تمایز استخوان مشتقات ویتامین D می‌باشند. ویتامین D3 یک هورمون سکواستروئیدی است که به رسپتورهای هسته‌ای که

پیوند استخوان یکی از معمول‌ترین شیوه‌ها در ارتوپدی و ترمیم بافت استخوانی می‌باشد [۱]. امروز استفاده از داربست‌های طبیعی و مصنوعی که بتواند حامل سلول‌های بنیادی برای کمک به ترمیم استخوان‌های آسیب دیده باشد، در پیوندهای استخوان استفاده می‌شود [۲]. سلول‌های بنیادی در نقاط مختلفی از بدن از قبیل: مغز استخوان، خون بند ناف و اکثر بافت‌های بدن یافت می‌شوند؛ این سلول‌ها دارای دو ویژگی اصلی مهم یعنی پرتوانی و خودنوسازی می‌باشند [۳].

<sup>۱</sup> دانشیار، مرکز تحقیقات بیولوژی کاربردی تکوین جانوری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد

<sup>۲</sup> استادیار، گروه زیست‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد زیست‌شناسی سلولی تکوینی جانوری، گروه زیست‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد

<sup>۴</sup> دانشجوی دکتری تخصصی زیست‌شناسی تکوین جانوری، گروه زیست‌شناسی، دانشکده علوم زیستی، دانشگاه خوارزمی

## \* نشانی نویسنده مسئول:

مشهد خیابان راهنمایی ۲۴، مرکز تحقیقات بیولوژی کاربردی تکوین جانوری دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

تلفن: ۰۵۱۱۸۴۳۷۰۹۲ | دورنویس: ۰۵۱۱۸۴۳۷۰۹۲

پست الکترونیک: baharara@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۱۴ | تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۶/۱۵

هم افزایی زعفران و ویتامین D3 بر تمایز، ...

شد. برای تهیه غلظت‌های مورد نیاز، پودر حاصل از عصاره‌گیری کلاله‌های زعفران توزین شده و در محیط کشت (Sigma, UK) DMEM حل گردید.

استخراج و کشت سلول‌های بنیادی مزانشیمی از مغز استخوان: موش‌های صحرایی نر نژاد ویستار با سن ۶-۸ هفته از موسسه سرم سازی رازی مشهد با محدوده وزنی ۱۸۰-۱۲۰ گرم خریداری گردید و در اتاق حیوانات در شرایط استاندارد ۱۲ ساعت نور، ۱۲ ساعت تاریکی و دمای  $22 \pm 2$  درجه سانتی‌گراد نگهداری شدند. حیوانات به مقدار کافی آب و غذا در دسترس داشتند. در ضمن در کلیه مراحل تحقیق، مقررات در مورد کار با حیوانات آزمایشگاهی رعایت شد. ابتدا موش‌ها با کلروفورم کشته شدند و در شرایط کاملاً استریل استخوان ران و درشت نی آنها جدا گردید و دو سر این استخوان‌ها با کمک قیچی تیز بریده شد و مغز استخوان از داخل کانال استخوانی با روش Flushing و به کمک سرنگ حاوی محیط کشت DMEM خارج در ۲۵۰۰ دور در دقیقه سانتریفیوژ شده و رسوب سلولی در فلاسک‌های کشت سلولی قرار داده شده و از محیط کشت DMEM همراه با ۱۰ درصد سرم جنین گاوی (Sigma, UK) و ۱ درصد آنتی‌بیوتیک پنی‌سیلین-استرپتومایسین استفاده شد. محیط کشت سلول‌ها هر دو روز یک‌بار تعویض شده و هنگامی که تراکم سلولی به اندازه مطلوب رسید پاساژ سلولی انجام شد [۵].

شناسایی سلول‌های بنیادی به‌وسیله آنتی‌ژن‌های سطحی: بدین منظور از روش ایمونوسیتوشیمی و آنتی‌بادی بر علیه مارکر سطحی CD44 (Abcam, Germany) استفاده گردید. بدین ترتیب که سلول‌های خالص شده در پارافرمالدئید ۴ درصد ثابت گردید و با آنتی‌بادی اولیه بر علیه CD44 موش صحرایی IgG ایزوتاپ به مدت ۴ ساعت تیمار شد. سپس، سلول‌ها با کمک فسفات بافر سالین شستشو داده شدند و سپس در معرض آنتی‌بادی ثانویه بر ضد موش صحرایی (Abcam, Germany) نشان‌دار با ماده فلوروسنس FITC (Sigma, UK) قرار گرفتند. در انتها بعد از گذشت ۱ ساعت سلول‌ها سه بار شستشو داده شدند و سپس رنگ آمیزی با DAPI به مدت ۵ دقیقه انجام گرفت و بعد از انجام مراحل شستشو نتیجه با میکروسکوپ فلوروسنس LaboMed (Korea) آنالیز شد. گروه کنترل منفی که آنتی‌بادی اولیه و یا ثانویه را دریافت نکرده بودند، نیز لحاظ گردید.

تیمار سلول‌ها با ویتامین D3، زعفران و این دو ماده به صورت هم‌زمان برای القاء تمایز: سلول‌های بنیادی مزانشیمی ( $5 \times 10^3$ ) در پلیت ۲۴ خانه کشت داده شدند. در ابتدا سلول‌های کشت داده شده با غلظت‌های زعفران (۶۰۰، ۷۰۰ و ۸۰۰ میلی‌گرم

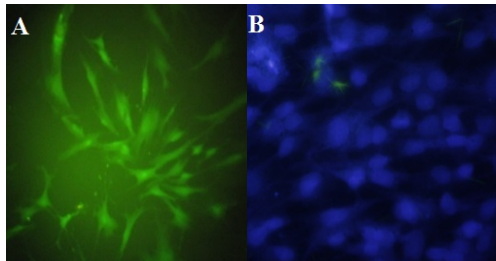
گیرنده D3 نامیده می‌شود، اتصال پیدا می‌کند. این ویتامین در مجموع نقش شناخته شده‌ای در هموستازی اسکلتی و معدنی دارد و می‌تواند تمایز و رشد و عملکرد طیف گسترده‌ای از سلول‌ها را کنترل کند [۹]. زعفران (*Crocus sativus*) گیاهی کوچک از خانواده زنبق می‌باشد [۱۰]. گیاه زعفران دارای اثرات فارماکولوژیک متعددی می‌باشد؛ به طوری که پژوهش‌ها نشان داده‌اند که زعفران و مواد موثر آن دارای اثرات ضد تومور، آنتی-اکسیدان، آنتی ژنوتوکسیک، حفاظت سلولی، ضد درد و التهاب، ضد تشنج، ضد افسردگی و کاهش علائم محرومیت از اپیوئید می‌باشند [۱۰]. طعم تلخ زعفران ناشی از ماده‌ای به نام پیکرو-کروسین است که تحت تجزیه آنزیمی، به آلدئیدی معطر به نام سافرانال تبدیل می‌شود [۳]. کاروتنوئیدهای دیگری مانند بتا-کاروتن، لیکوپن و زاکسانتین و ویتامین‌ها به‌خصوص ریبولافوین و تیامین در زعفران یافت می‌شود؛ در حالی که گروسین، کروسیتین و سافرانال مواد موثره اصلی زعفران هستند که اجزایی کاروتنوئیدی می‌باشند [۱۱، ۱۰]. شواهدی وجود دراد که نشان می‌دهد کاروتنوئیدها و انواع مواد مشتق از آنها قادر به متأثر ساختن انواع سلول‌های بنیادی و سرطانی می‌باشند و می‌تواند تمایز را در آنها القا کنند [۱۲] و با توجه به اینکه عصاره زعفران سه فرآیند متابولیکی مهم یعنی ساخت DNA، RNA و پروتئین را در سلول‌های سرطانی متوقف و مهار می‌کند، می‌توان انتظار داشت که در سلول‌های مزانشیمی مغز استخوان با مهار تکثیر سلولی باعث بروز تمایز شود [۱۳، ۱۴]. از آنجا که اثرات القا کننده تمایز ویتامین D3 نیز اثبات شده است و هم‌چنین با توجه به ضرورت مطالعه در مورد عوامل موثر در القا تمایز سلول‌های بنیادی، در پژوهش حاضر با کاربرد توام زعفران (به‌عنوان یک فرآورده طبیعی) و ویتامین D3، اثر هم‌افزایی آنها در تمایز سلول‌های بنیادی مزانشیمی مغز استخوان موش‌های صحرایی به سمت استئو-بلاست بررسی شده است.

## مواد و روش‌ها

این مطالعه تجربی آزمایشگاهی در سال ۱۳۹۲ در مرکز تحقیقات بیولوژی کاربردی نکون جانوری دانشگاه آزاد اسلامی مشهد به شرح ذیل انجام گردید.

تهیه عصاره آبی زعفران: زعفران از موسسه نوین زعفران خراسان رضوی تهیه گردید. سه گرم از کلاله‌های خشک زعفران (*Crocus sativus L*) کاملاً ساییده شد و عصاره گیری با استفاده از دستگاه سوکسله و آب مقطر انجام گردید و سپس برای خشک کردن عصاره زعفران از دستگاه انجماد در خلاء استفاده

این مارکرها بر سطح سلول با رنگ سبز در اثر آنتی بادی ثانویه در شکل A مشاهده می‌شود و در نتیجه بنیادی بودن سلول‌ها توسط این روش تایید شد. هم‌چنین، وجود سلول با رنگ آمیزی هسته‌های آن‌ها با رنگ DAPI در نمونه‌هایی که ایمنو سیتوشیمی انجام گرفت تایید شد (شکل B ۱).



شکل شماره ۱- A: مشاهده رنگ سبز فلورسنت در اطراف سلول- های بنیادی به علت وجود آنتی ژن CD44 بر سطح سلول‌ها. B: رنگ آمیزی DAPI،  $10 \times 10X$ .

با بررسی‌های کیفی از میزان رنگ پذیری ماتریکس و قرمز شدن آن‌ها می‌توان به میزان تمایز پی برد [۵]. بررسی نمونه‌های رنگ- آمیزی شده با آلیزارین رد نشان داد که ویتامین D3 منجر به القای تمایز به سمت استئوبلاست‌ها در سلول‌های بنیادی مز- نشیمی شده است و بیشترین اثر تمایز در دوز  $5 \times 10^{-7}$  مولار نسبت به گروه کنترل مشاهده گردید (شکل شماره ۲، B). سلول- های بنیادی مزانشیمی هم‌چنین تحت تیمار با عصاره زعفران تمایز استئوبلاستی نشان داده و این اثر در حضور دوز ۸۰۰ میلی گرم در لیتر زعفران حداکثر بود (شکل شماره ۲، C). بیشترین میزان رنگ پذیری ماتریکس خارج سلولی با رنگ آلیزارین رد مشاهده گردید. در مرحله بعد غلظت‌های مختلف زعفران و بهترین غلظت ویتامین D3 که مطابق با نتایج بررسی آن به تنهایی بیشترین اثرات تمایزی را داشت، به صورت هم‌زمان برای القا تمایز در سلول‌های بنیادی مزانشیمی استفاده گردید. بررسی نمونه‌های رنگ آمیزی شده با آلیزارین رد در گروه‌های تیمار شده با عصاره‌های زعفران همراه با غلظت  $5 \times 10^{-7}$  مولار ویتامین D3 نشان داد که کاربرد غلظت ۸۰۰ میلی گرم در لیتر زعفران و  $5 \times 10^{-7}$  مولار ویتامین D3 به صورت توأم حداکثر اثر تمایزی در مقایسه با کاربرد هر یک از موارد به تنهایی را دارد (شکل شماره ۲، D).

در لیتر) تیمار گردیدند. این غلظت‌ها بر اساس غلظت‌های غیر سمی گزارش شده در گزارش‌ها قبلی گروه حاضر انتخاب شدند [۵]. هم‌چنین، غلظت‌های مختلف ویتامین D3 ( $10^{-7}$ ،  $5 \times 10^{-7}$  و  $10^{-6}$  مولار) نیز که بر اساس گزارشات قبلی انتخاب شده بودند [۱۳] نیز برای بررسی اثرات تمایزی به سلول‌ها اضافه شدند. سپس، بر اساس نتایج حاصل از تیمار سلول‌ها با هر یک از موارد زعفران و ویتامین D3 به تنهایی تیمار این سلول‌ها به صورت هم- زمان با غلظت‌های  $800, 700, 600$  میلی گرم در لیتر زعفران همراه با غلظت ثابت  $5 \times 10^{-7}$  مولار ویتامین D3 به صورت سینرژیک انجام گرفت. گروه تیمار هیچ‌گونه تیماری را دریافت نمود. در طی مدت تیمار تغییرات مورفولوژیکی سلول‌ها با میکروسکوپ معکوس (INV, Italy) کنترل گردید و پس از طی شدن زمان مورد نظر آزمون‌های الیزارین رد و آلکالین فسفاتاز انجام شد.

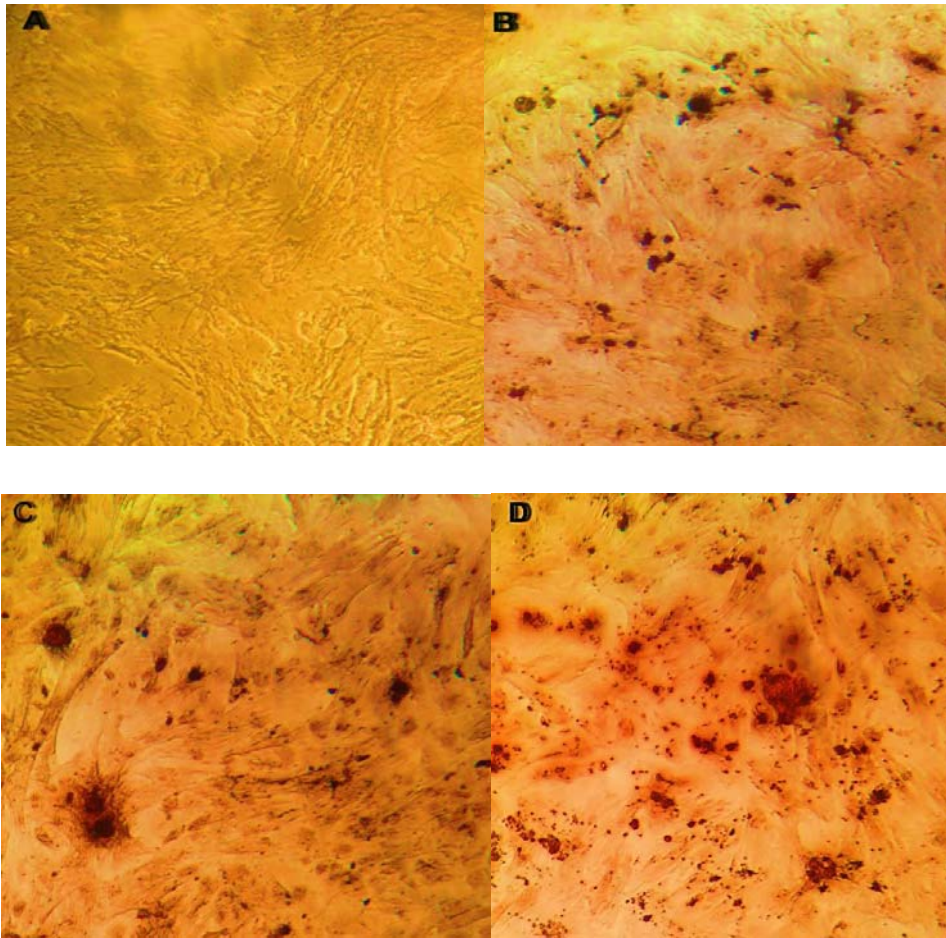
رنگ آمیزی با آلیزارین رد: پس از گذشت ۲۱ روز از تیمار، سلول‌ها چندین بار توسط بافر فسفات سالین شستشو داده شده و با پارا فرمالدئید ۴ درصد تثبیت شدند. سپس، توسط رنگ آلیزارین رد (Merck, Germany) به مدت ۱۵ دقیقه رنگ آمیزی شدند. برای مطالعات کمی رسوب رنگ آلیزارین رد به- وسیله اسید استیک ۱ درصد حل شده و جذب نوری در  $405 \text{ nm}$  به وسیله دستگاه اسپکتروفوتومتر (Epoch, USA) بررسی شد [۱۳].

بررسی میزان فعالیت آلکالین فسفاتاز: پس از گذشت ۱۰ روز از تیمار، سلول‌ها چند بار با PBS شستشو داده شد و توسط بافر لیز کننده NP40 لیز شده و محلول فوق در  $12000$  دور در دقیقه سانتریفیوژ شد. سوپرناتانت جدا شده و با استفاده از کیت آلکالین فسفاتاز (Pars Azmoon, Iran) فعالیت آلکالین فسفاتازی در طول موج  $405 \text{ nm}$  با روش رنگ سنجی با استفاده از اسپکتروفوتومتر (Epoch, USA) مورد آزمایش قرار گرفت [۱۴].

داده‌های کمی حاصل توسط نرم افزار SPSS با استفاده از آنالیز آزمون‌های واریانس یک عاملی و پس آزمون دانکن در سطح معنی‌داری  $P < 0.05$  آنالیز گردید و نمودارها با استفاده از نرم افزار Excel ترسیم شدند.

## نتایج

سلول‌ها پس از انجام ایمنوسیتوشیمی توسط میکرو- سکوپ فلورسنت بررسی شدند. وجود آنتی ژن CD44 و تجمع



شکل شماره ۲- نتایج رنگ آمیزی الیزارین رد برای دوزهای مختلف ویتامین D3، زعفران و هم افزایی آنها. رسوب رنگ الیزارین رد و رنگ قرمز نشانه تمایز سلول‌های بنیادی به اوستئوبلاست می‌باشد. A: کنترل، B: دوز ۸۰۰ میکرو گرم بر میلی لیتر، C: غلظت دوز  $5 \times 10^{-7}$  مولار ویتامین D3 به تنهایی و D: دوز  $5 \times 10^{-7}$  مولار ویتامین D3 و زعفران به صورت توأم، بزرگ‌نمایی (۱۰×۱۰X).

فسفاتاز نشان داد که میزان فعالیت این آنزیم در گروه‌های تجربی مربوط به ویتامین D3 با غلظت‌های  $10^{-7}$  و  $5 \times 10^{-7}$  و  $10^{-6}$  مولار افزایش دارد؛ به نحوی که بیشترین فعالیت آلکالین فسفاتازی در غلظت  $5 \times 10^{-7}$  مول با سطح معنی‌داری ( $P < 0/001$ ) نسبت به گروه کنترل تعیین شد (نمودار ۱ B). بررسی کمی فعالیت آلکالین فسفاتازی نشان داد که میزان فعالیت این آنزیم در گروه‌های تیماری کاربرد توأم هر یک از غلظت‌های ۸۰۰، ۷۰۰، ۶۰۰ میکرو گرم در لیتر همراه با غلظت  $5 \times 10^{-7}$  مولار ویتامین D3 افزایش معنی‌دار دارد ( $P < 0/001$ ). بیشترین میزان فعالیت آلکالین فسفاتازی در گروه تیماری غلظت ۸۰۰ میلی گرم در لیتر زعفران همراه با دوز  $5 \times 10^{-7}$  مولار ویتامین D3 مشاهده شد ( $P < 0/001$ ). نمودار ۱ C).

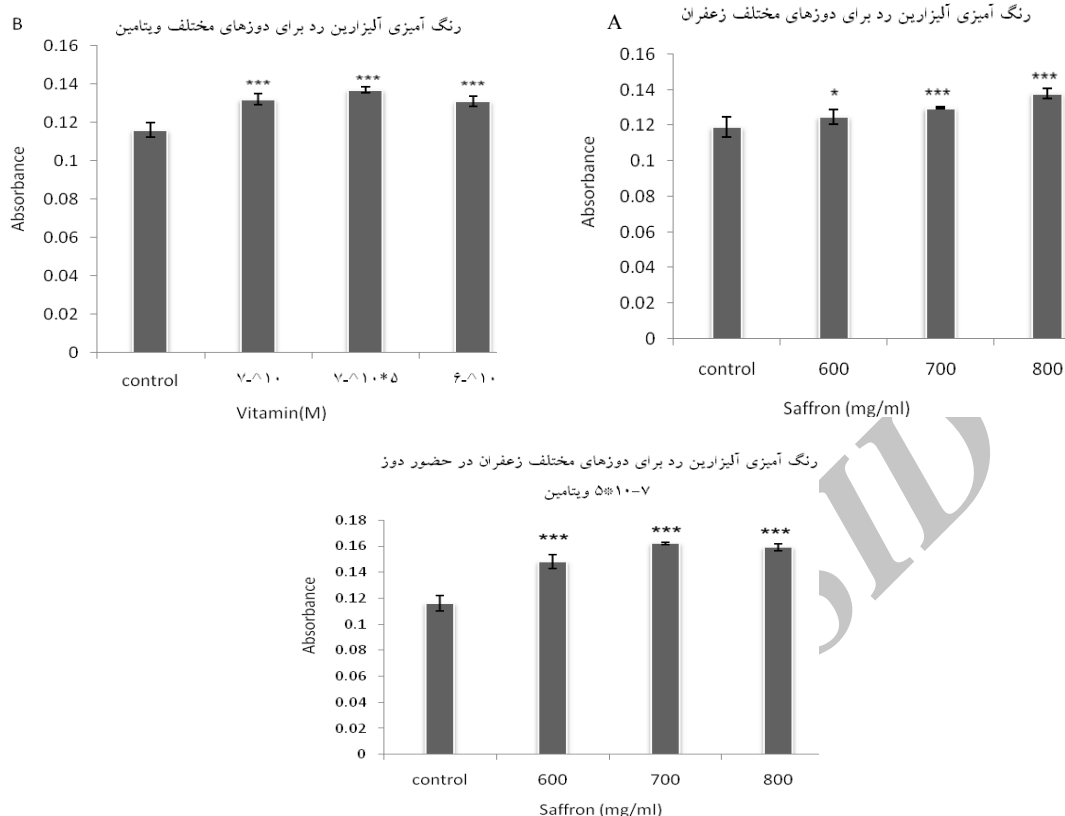
#### بحث

زعفران به‌طور سنتی به‌عنوان یک رنگ یا طعم دهنده استفاده می‌شود، اما تحقیقات اخیر توان بالقوه این ماده را در

بررسی کمی رسوب آلیزارین رد از طریق تعیین جذب نوری توسط اسپکتروفوتومتر نشان داد که میزان جذب در گروه تیماری ویتامین D3 با غلظت  $5 \times 10^{-7}$  مولار نسبت به شاهد در مقایسه با دوزهای دیگر افزایش معنی‌دار دارد ( $P < 0/001$ ). هم-چنین، بررسی در گروه‌های تیماری با دوزهای مختلف زعفران نشان داد که گروه تجربی ۸۰۰ میلی گرم بر لیتر بیشترین جذب را در مقایسه با شاهد دارد ( $P < 0/001$ ). به‌علاوه، در گروه‌های تجربی کاربرد توأم غلظت‌های سه گانه زعفران همراه با غلظت  $5 \times 10^{-7}$  مولار ویتامین D3 بیشترین جذب نوری در گروه ۸۰۰ میلی‌گرم در لیتر زعفران توأم با دوز  $5 \times 10^{-7}$  مولار ویتامین D3 مشاهده شد ( $P < 0/001$ ). بررسی نتایج کمی فعالیت آلکالین فسفاتاز نشان داد که میزان فعالیت این آنزیم در گروه‌های تیماری زعفران با غلظت‌های ۶۰۰، ۷۰۰ و ۸۰۰ میلی‌گرم در لیتر در مقایسه با گروه شاهد افزایش معنی‌دار دارد ( $P < 0/001$ ) و بیشترین فعالیت مشاهده شده آلکالین فسفاتازی در گروه تیمار با ۸۰۰ میلی گرم در لیتر رخ داد (نمودار ۱ A). بررسی کمی فعالیت آلکالین

ارتقاء سلامت نشان داده است و ترکیبات مهم زعفران نظیر

کروسین، پیکروکروسین و سافرانال دارای اثرات ویژه هستند [۱۵].



نمودار شماره ۱- بررسی میزان فعالیت آنزیم آلکالین فسفاتاز در دوزهای مختلف زعفران (A) و ویتامین D3 (B)، و دوزهای هم‌افزایی زعفران و

ویتامین D3 (C).  $P < 0.001$ ,  $P < 0.01$ ,  $P < 0.001$

سلول‌های بنیادی مزانشیمی مغز استخوان، از این سلول‌ها به‌منظور بررسی قدرت تمایز زعفران و ویتامین D3 استفاده شد. موش‌های صحرایی استفاده شده در محدود سن تقریبی ۴ تا ۶ هفته قرار داشتند. طبق گزارشات قبلی در این سن تعداد سلول‌های بنیادی به‌دست آمده از حیوان بیشتر بوده و قابلیت گسترش سلول‌ها بیشتر می‌باشد [۱۹]. سلول‌های مزانشیمی جدا شده بر اثر خاصیت چسبندگی خود به کف فلاسک چسبیده و سلول‌های خون ساز با تعویض محیط حذف شدند. این سلول‌ها به‌صورت خالص پس از ۳ پاساژ ظاهری دوکی شکل و کشیده داشتند. این نتایج مشابه نتایج به‌دست آمده در بسیاری از تحقیقات از جمله مطالعه Amani و همکاران بود [۲۰]. نتایج حاصل از ایمنوسیتوشیمی نشان داد که سلول‌های مزانشیمی جدا شده دارای مارکر سطحی CD44 می‌باشند. این مارکر یکی از شاخص‌های بنیادی بودن سلول‌ها می‌باشد [۲۱]. برای بررسی اثرات تمایز استئوژنیک به‌کارگیری توام عصاره زعفران و ویتامین D3 از رنگ آمیزی آلزارین رد و سنجش آلکالین فسفاتاز استفاده شد. میزان فعالیت آلکالین فسفا-

ترکیب بیولوژیکی ویتامین D3 نوعی هورمون سکوستروئید می‌باشد که در تنظیم بافت استخوان و متابولیسم کلسیم-فسفات دخالت دارد [۱۷، ۱۶]. از جهت دیگر با توجه به ضرورت شناسایی عوامل مؤثر بر القاء تمایز سلولی‌های بنیادی به سمت رده‌های مختلف بافت‌های استخوانی با اهداف درمانی از جمله درمان شکستگی‌ها لزوم توجه به مواد طبیعی که بتوانند تمایز را در سلول‌های بنیادی القا کنند، کاملاً ضروری به‌نظر می‌رسد. هدف این مطالعه استفاده از زعفران (به‌عنوان عاملی طبیعی) و به‌صورت هم‌افزایی با ویتامین D3 (که به‌صورت آماده و تجاری مصرف درمانی دارند) به‌منظور افزایش القای تمایز در سلول‌های استرو-مایی استخراج شده از مغز استخوان موش صحرایی بود. اگر چه سلول‌های بنیادی مزانشیمی از منابعی متنوعی نظیر خون نوزادان، خون بند ناف و مایع آمینوتیک نیز قابل جداسازی هستند، اما در دسترس‌ترین منبعی که برای استفاده از این سلول‌ها پیشنهاد می‌شود، مغز استخوان است [۱۸]. بنابراین، در مطالعه حاضر نیز به-علت قابلیت دسترسی آسان، روش ساده جداسازی و کشت

هم افزایشی زعفران و ویتامین D3 بر تمایز، ...

مزانشیمی بنیادی که توانایی ورود به فاز تقسیم را از دست می‌دهند، وارد فاز تمایزی شوند و این موضوع با نتایج این مطالعه مبنی بر اثر تمایزی زعفران هم‌سو می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان داد که عصاره آبی زعفران می‌تواند منجر به افزایش تمایز سلول‌های بنیادی به استئوبلاست شود. در این راستا Mahmoud و همکاران از عصاره اتانولی گیاه باریجه برای تمایز سلول‌های بنیادی به سمت استئوبلاست استفاده نمودند. یافته‌های حاصل از مطالعات این گروه نشان داد که عصاره اتانولی گیاه باریجه دارای اثرات مثبت بر روند تکثیر و تمایز سلول‌های بنیادی مشتق شده از مغز استخوان انسان می‌باشد. در واقع این محققین با استفاده از فرآورده‌های طبیعی گیاهی توانستند تمایز را در سلول‌های مزانشیمی القا نمایند و نتایج تجربه ما نیز با نتایج حاصل از پژوهش‌های آنان سازگار و هم‌سو می‌باشد؛ زیرا زعفران نیز گیاهی دارویی است که دارای اثرات مثبت در حفظ سلول‌ها می‌باشد [۱۶]. Wei و همکاران اثرات تمایزی Catechin (پلی فنول استخراج شده از چای سبز) را بر روند تمایز سلول‌های مزانشیمی مشتق شده از مغز استخوان انسان به استئوبلاست‌ها را بررسی نمودند؛ گزارشات این گروه نشان می‌دهد که این پلی فنول توانایی افزایش فعالیت آلکالین فسفاتاز را در گروه سلولی تیمار شده را دارد. بنابراین، می‌توان عنوان نمود که از جمله ترکیبات طبیعی که توانایی القای تمایز را در سلول‌های مزانشیمی دارند، فنل‌ها می‌باشند که در گیاهان از جمله زعفران به وفور یافت می‌شود [۲۵].

#### نتیجه‌گیری

نتایج مطالعه بیان‌گر آن است که زعفران و ویتامین D3 هرکدام به تنهایی می‌توانند منجر به القای تمایز استئوژنیک در سلول‌های بنیادی مشتق شده از مغز استخوان موش صحرایی گردند؛ لیکن کاربرد توأم آنها باعث اثر سینرژیک افزایش معنی‌دار تمایز سلول‌های بنیادی مزانشیمی مغز استخوان به استئوبلاست‌ها می‌شود.

#### تشکر و قدردانی

از همکاران مرکز تحقیقات بیولوژی کاربردی تکوین جانوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

تازی سلول‌ها ۷-۱۰ روز پس از تیمار افزایش می‌یابد که این موضوع به‌عنوان شاخص اولیه جهت تمایز سلول‌های بنیادی به استئوبلاست مورد استفاده قرار می‌گیرد. میزان جذب نوری شاخصی از جذب رنگ الیزارین رد و جذب رنگ نشانه میزان معدنی شدن ماتریکس سلولی است. استفاده از این دو روش در مطالعات تمایزی به سمت بافت استئوژنیک متداول است و محققان دیگر نیز برای تأیید تمایز به استئوسیت‌ها از این دو روش استفاده نموده‌اند [۲۲،۲۰]. ارزیابی نتایج حاصل از رنگ آمیزی با الیزارین رد به‌صورت کیفی و کمی نشان داد که قدرت تمایز دهی ویتامین D3 و زعفران به‌صورت توأم بیشتر از کاربرد هر یک به‌تنهایی است. در تجربه حاضر بیشترین میزان تمایز در نمونه‌های تحت تیمار با ویتامین D3 در دوز  $5 \times 10^{-7}$  مولار مشاهده شد. در گروه‌های هم‌افزایی بیشترین تاثیرگذاری در هم‌افزایی  $5 \times 10^{-7}$  مولار ویتامین D3 و ۸۰۰ میلی گرم در لیتر مشاهده گردید؛ در این رابطه آشتیانی و همکاران طی تحقیقی نشان دادند که ماده گیاهی سیل مارین دارای توانایی حفاظت سلولی و حفظ تکثیر و زیست پذیری سلول‌ها می‌باشد [۲۳]. بنابراین، گیاهان می‌توانند زمینه امید بخش جهت استفاده در اهداف درمانی با واسطه سلول‌های بنیادی باشند. گزارشاتی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد کروسین، کروسیتین و مشتقات آنها، رشد برخی از سلول‌های سرطانی بدخیم را در محیط کشت مهار می‌کنند و به‌عنوان مثال رشد سلول‌های سرطانی HL60 و K562 به‌طور واضحی توسط کروسین، کروسیتین و دی متیل کروسیتین مهار شده است [۲۴]. در برخی تجربیات دیگر اثر مهار مواد فوق الذکر روی سلول‌های سرطان سینه به‌صورت وابسته به دوز مشاهده شده است [۲۵،۲۴]. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که عصاره زعفران دارای اثرات مهار بر تکثیر سلولی است و در سلول‌های بنیادی وقتی که در آنها تقسیم مهار می‌شود، وارد فاز تمایزی می‌شوند [۲۵]. البته در این مورد باید توجه داشت ماده مورد نظر در غلظت‌های کشنده استفاده نگردد، زیرا مهار تکثیر در این غلظت‌ها مرگ سلولی را نیز به‌دنبال دارد. بنابراین، در این مطالعه با استفاده از نتایج مطالعات قبلی گروه ما غلظتی از زعفران استفاده گردید که مرگ سلولی را به‌دنبال نداشته باشد و با مهار تکثیر سلول فرصت شروع روندهای تمایزی را در اختیار سلول قرار دهد. بدین ترتیب، می‌توان انتظار داشت سلول‌هایی

#### References:

[1] Veshkini A, Marjani M, SelkGhaffari M, Moridpour R, An Y. Radiological Evaluation of Rabbit Femoral Defect Healing in Caspian SEASHELL Pellets. *J Mazandaran Univ Med Sci* 2007; 17(61): 105-13. [in Persian]

[2] Hosseinkhani H, Hosseinkhani M, Tian F, Kobayashi H, Tabata Y. Osteogenic differentiation of mesenchymal stem cells in self-assembled peptide-amphiphile nanofibers. *Biomaterial* 2006; 27(22): 4079-86.



- [3] Kadivar M, Piryaei F, Ramezani M. Isolation, Culture and Differentiation of Chicken Bone Marrow Mesenchymal Stem Cells. *Armaghane-danesh* 2010; 14(4): 1-11. [in Persian]
- [4] Nuttelman CR, Tripodi MC, Anseth KS. In vitro osteogenic differentiation of human mesenchymal stem cells photoencapsulated in PEG hydrogels. *J Biomed Mater Res A* 2004; 68(4): 773-82.
- [5] Ramezani T, Baharara J, Saghiri N. Osteogenic Differentiation Effect of Saffron Aqueous Extract (*Crocus sativus* L) on Rat Bone Marrow-Derived Mesenchymal Stem Cells. *J BUMS* 2013; in press.
- [6] Tarfiei G, Mahmoodinia-Maymand M, Noruzinia M. The effect of differentiation inducing factors on osteoblastogenesis from mesenchymal stem cells. *Genetics in the 3<sup>rd</sup> Millennium*, 2010; 7(4): 1864-70.
- [7] Nemati Sh, Zare Mehrjerdi N, Baharvand H. Differentiation of human bone marrow mesenchymal stem cells to neural-like cells in vitro. *Tehran Univ Med J* 2009; 67(8): 527-34.
- [8] Fadaei R, Amirizadeh N, Nikougoftar M, Habibi-Roudkenar M. Effect of human hematopoietic stem cells on differentiation of mesenchymal stem cells to osteoblast cells. *Sci J Iran Blood Transfus Organ* 2012; 9(3): 226-38. [in Persian]
- [9] Piemonti L, Monti P, Sironi M, Fraticelli P, Eugenio Leone B, et al. Vitamin D3 Affects Differentiation, Maturation, and Function of Human, Monocyte-Derived Dendritic Cells. *J Immunol* 2012; 28: 4443-51.
- [10] Kianbakht S. A systematic Review on Pharmacology of Saffron and its active Constituents. *J Med Plants* 2008; 28(4): 1-23, 28.
- [11] Nikawa T, Schulz W, Vandenbrink CM, Hanusch M, Vandersaag P, Stahl W, et al. Efficacy of All-trans- $\beta$ -Carotene, Canthaxanthin, and All-trans, 9-cis-, and 4-Oxoretinoic Acids in Inducing Differentiation of an F9 Embryonal Carcinoma RAR $\beta$ -lacZ Reporter Cell Line. *Arch Biochem Biophys* 1995; 316(2): 665-72.
- [12] Gudas LJ, Wagner JA. Retinoids regulate stem cell differentiation. *J Cell Physiol* 2011; 226(2): 322-30.
- [13] Song I, Kim BS, Kim CS, Im GI. Effects of BMP-2 and vitamin D3 on the osteogenic differentiation of adipose stem cells. *Biochem Biophys Res Commun* 2011; 408: 126-31.
- [14] Mahmody Z, Solimani M, Saeedy A, Iranshohi M. The effect of ethanol extracts of Galbanum on osteogenic proliferation and differentiation human mesenchymal stem cells. *J Med Plants* 2013; 12(2): 1-8.
- [15] Melnic J, Wang S, Marccone M. Chemical and biological properties of the world's most expensive spice: Saffron. *Food Res Int* 2010; 43(8): 981-1989.
- [16] Ghadrdoosta B, Vafaeia A, Rashidy-oura A, Hajisoltania R, Bandegib A, Motamedic F, Haghhighid S, Samenid H, Pahlvan S. Protective effects of saffron extract and its active constituent crocin against oxidative stress and spatial learning and memory deficits induced by chronic stress in rats. *European Journal of Pharmacology* 2011; 667(3) : 30 222-229.
- [17] Penna G, Adorini L.  $\alpha,25$ -Dihydroxyvitamin D3 Inhibits Differentiation, Maturation, Activation, and Survival of Dendritic Cells Leading to Impaired Alloreactive T Cell Activation. *J Immunol* 2000; 164(5): 2405-11.
- [18] Baghban-Eslaminejad M, Salami F, Soleimani M, Abnoosi M. Study of BIO (6-Bromoindirubin - 3'-Oxim) Effect on Growth and Bone Differentiation of Rat Marrow-Derived Mesenchymal Stem Cells. *J Hamedan Univ* 2008; 9(3): 5-13. [in Persian]
- [19] Khoshchehreh R, Ebrahimi M, Baghban-EslamiNejad M, Aghdami N, Baharvand H. In-vitro Potential of Human Bone Marrow and Umbilical Cord Vein Mesenchymal Stem Cells to Differentiate into Insulin Producing Cells. *Iran J Endocrinol Metabolism* 2011; 13(4): 384-97.
- [20] Amani M, Amirizadeh N, Soleimani M, Malekan H, Habibi Roudkenar M, Bashtar M. Effect of growth factors of platelet gel on proliferation and differentiation of mesenchymal stem cells. *Sci J Iran Blood Transfus Organ* 2009; 6(2): 71-83. [in Persian]
- [21] Gronthos S, Zannettino AC, Hay SJ, Shi S, Graves SE, Kortessidis A, et al. Molecular and cellular characterization of highly purified stromal stems derived from human bone marrow. *J Cell Sci* 2003; 116 (Pt 9): 1827-35.
- [22] Trompeter H, Dreesen J, Hermann E, Iwaniuk K. MicroRNAs miR-26a, miR-26b, and miR-29b accelerate osteogenic differentiation of unrestricted somatic stem cells from human cord blood. *BMC Genomics* 2013; 14: 24-32.
- [23] Ashteiani H, Allameh A, Hamied poor N, Rastegar H. Accelerating growth and proliferation of mesenchymal stem cells derived from human samples in the presence Sylmaryn. *J Med Plants* 2011; 9(2): 1-9.
- [24] Abdullaev FI. Cancer chemopreventive and tumoricidal properties of saffron (*Crocus sativus* L.). *Exp Biol Med (Maywood)* 2002; 227(1): 20-5.
- [25] Rahaiee S, Moini S, Hashemi S, Shojaosadati M. Evaluation of antioxidant activities of bioactive compounds and various extracts obtained from saffron (*Crocus sativus* L.): a review. *J Food Sci Technol* 2014; in press.